

پیام پاپ اعظم فرانسیس به مناسبت ایام روزه ۲۰۱۷



کلام یک هدیه است، دیگری نیز یک هدیه است

برادران و خواهران گرامی،

ایام روزه شروعی تازه است، راهی است به سوی هدفی مطمئن. عید رستاخیز، پیروزی عیسی بر مرگ است. همیشه این ایام ما را به توبه و پشیمانی دعوت می‌نماید. یک مسیحی دعوت شده است تا « با تمام دل و جان » به سوی خدا باز گردد (کتاب یوئیل فصل ۲ آیه ۱۲)، تا اینکه فقط در پی یک زندگی متوسط نباشد بلکه در دوستی با خدا رشد نماید. عیسی دوستی وفادار است که هیچ وقت ما را تنها نمی‌گذارد، زیرا، هنگامی که مرتکب گناه می‌شویم، صبورانه منتظر بازگشت ما به سوی اوست، در این انتظار است که اراده بخشش خود را به ما نشان می‌دهد.

ایام روزه زمانی است مناسب تا با استفاده از راه های مقدس که کلیسا ارائه می‌دهد مانند: روزه، دعا و نیایش، و صدقه بر زندگی روح القدس هر چه بیشتر تعمق نماییم. منشأ همه این اعمال کلام خدا است، که در این ایام برای هرچه بهتر شنیدن و تعمق کردن بر آن دعوت شده ایم. در اینجا میخواهم اشاره ای به مثل شخص ثروتمند و الیعازر فقیر نمایم. (لوقا ۱۶: ۱۹-۳۱).

بگذاریم تا این صفحات کتاب مقدس الهامی باشند برای درک بهتر رسیدن به خوشبختی واقعی و حیات ابدی، و تشویقی باشند برای تغییری صادقانه.

۱. دیگری یک هدیه است

مثل با روایت دو شخصیت اصلی آغاز می‌گردد، ولی شخص فقیر به صورت خاص تعریف می‌گردد: وی در شرایط بسیار وخیم به سر می‌برد که حتی قدرت بر پا ایستادن را هم ندارد و در مقابل درب ثروتمند افتاده است و از خرده‌ها غذای او که بر زمین می‌افتند شکم خود را سیر می‌کند، بدنش پوشیده از زخم بود حتی سگان می‌آمدند و زخمهایش را می‌لیسیدند (لوقا ۱۶: ۲۰-۲۱). صحنه ای است غم‌انگیز، چگونه انسان تا این حد تحقیر و تخریب گردیده است.

این صحنه غم‌انگیز تر می‌گردد زمانی که بخوانیم این شخص فقیر نامش **اليعازر** است که در « **خدا کمک میکند**» معنی می‌گردد. بنابراین این شخص گمنام نیست، دارای شخصیت همراه با روایت زندگی است. در حالی که برای ثروتمند، گمنام است و نامرئی، اما برای ما آشنا به نظر می‌رسد، چهره به خود می‌گیرد، و در همان شرایط یک هدیه می‌گردد، یک ثروت تمام نشدنی، یک شخصیت دلخواه، دوست داشتنی که در یاد خدا است، هرچند شرایط او را ترد شده از انسانها به نظر برساند.

اليعازر به ما می‌آموزد که « **دیگری**» یک هدیه است. یک رابطه صادق با اشخاص، مستلزم شناخت واقعی ارزش آن شخص است. حتی فقیر بر درگاه ثروتمند یک موجود آزار دهنده نیست، بلکه دعوتی است برای تحول درونی و تغییر روش زندگی. اولین دعوتی که از ما میشود، درب قلب خود را بر دیگران بگشاییم، زیرا هر شخص، حتی همسایه و یا فقیر نا آشنا، هدیه ای است از جانب خدا. ایام روزه زمانی است مناسب برای گشودن درب بر نیازمندان و شناخت چهره مسیح در هر فرد. هر یک از ما این اشخاص را در راه خود ملاقات می‌نماییم باید بدانیم یک هدیه از جانب خدا هستند و آنها را بپذیریم، محترم بشماریم و دوست داشته باشیم. کلام خدا به ما کمک میکند تا چشمان خود را بگشاییم و هر زندگی انسانی را پذیرفته دوست داشته باشیم، مخصوصاً هنگامی که آن زندگی ضعیف و ناتوان است. برای انجام این کار باید آنچه را انجیل مقدس در باره شخص ثروتمند بیان میکند، بر آن تأمل نمود.

۲. گناه ما را نابینا میکند

این مثل، شرایط پر از تناقضات ثروتمند را بیرحمانه به تصویر می‌کشد. (لوقا ۱۶: ۱۹). این شخصیت، بر عکس اليعازر فقیر، هیچ نامی ندارد، تنها به عنوان ثروتمند شناخته شده است. ناز و نعمت او در نوع لباس، در رفاه بیش از حد تعریف شده است. جامه ارغوانی در آن زمان از ارزش زیادی برخوردار بود حتی بیشتر از نقره و طلا، برای همین منظور بیشتر مختص خدایان (**ارمیا ۱۰: ۹**) و یا پادشاهان بود (**داوران ۸: ۲۶**).

کتان نیز پارچه ای بود ارزشمند. بنابراین ثروت این مرد بی حد و اندازه بود به گونه ای که هر روز آنها را بر تن میکرد و هر روز میهمانی برگزار میکرد (آیه ۱۹). در او ما میتوانیم آشکارا فساد ناشی از گناه را بینیم که در سه مرحله بیان میشود: عشق به پول، غرور و فخر فروشی.

پولوس رسول در این باره می‌فرماید « طمع ریشه‌ی همه بدی‌ها » این دلیل اصلی فساد و منبع حسادت، نزاع و سوءظن است. پول میتواند بر ما حکومت کند، و اینگونه تبدیل به بت میشود (رساله رسولی شادی از انجیل 55 Evangelii Gaudium). ثروت به جای اینکه وسیله ای در خدمت برای خوبی کردن و همدردی با دیگران باشد، میتواند ما و جهان را برده خود گرداند و خودخواهی را به وجود آورد و مانعی برای ایجاد محبت و صلح گردد.

این مثل به ما نشان می‌دهد، چگونه حرص و طمع شخص ثروتمند را مغرور می‌سازد. شخصیت او در ظاهر سازی است و اینکه چگونه میتواند مرفه زندگی کند. ولی ظاهر سازی چهره واقعی درون را می‌پوشاند. زندگی او، اسیر ظاهر او بود..

پایین ترین پله‌ی این فساد اخلاقی، فخر و غرور است. مرد ثروتمند همانند یک پادشاه لباس بر تن می‌کند، خود را به خدایان تشبیه میکند، ولی فراموش می‌کند که انسان فانی بیش نیست. برای شخص فاسد، از عشق به ثروت چیزی جز « خود » شخص وجود ندارد، و اشخاصی که به او نزدیک هستند در محیط او نمی‌کنند. ثمره‌ی وابستگی به ثروت یک نوع ناپیایی است؛ مرد ثروتمند، شخص فقیر گرسنه، زخمی و در نهایت بیچارگی سجده کرده در مقابل او را نمی‌بیند.

با نگاه به این شخص، میتوان دلیل اینکه انجیل عشق به ثروت را محکوم می‌کند فهمید: « هیچکس دو ارباب را خدمت نتواند کرد، زیرا یا از یکی نفرت خواهد داشت و به دیگری مهر خواهد ورزید، و یا سرسپرده یکی خواهد بود و دیگری را خوار خواهد شمرد. نمی‌توانید هم بنده‌ی خدا باشید، هم بنده‌ی پول. » (متی ۶: ۲۴).

۳. کلام یک هدیه است

روایت انجیل در مورد ثروتمند و فقیر، به ما کمک میکند تا خود را برای عید فصیح (رستاخیز مسیح) که نزدیک است آماده سازیم. مراسم چهارشنبه مقدس (در کلیسای لاتین)، ما را دعوت می‌کند تا همان روایت را در زندگی تجربه نماییم. کشیش با قرار دادن خاکستر بر سر، این کلمات را تکرار می‌کند « پیاد آر که از خاکستر هستی و به خاکستر باز خواهی گشت ». ثروتمند و فقیر، در واقع هر دو می‌میرند، بخش مهم این

روایت مربوط به زندگی پس از مرگ است. این دو شخصیت با این حقیقت مواجه میشوند « چرا که به این جهان هیچ نیاورده ایم و از آن نیز هیچ نخواهیم برد » (اول تیموتائوس ۶: ۷).

نگاه ما نیز متوجه جهان پس از مرگ می‌شود، جایی که مرد ثروتمند گفتگوی طولانی با ابراهیم دارد، که او را « پدر » می‌خواند (لوقا ۱۶: ۲۴ و ۲۷)، و خود را بخشی از قوم خدا می‌داند. با این بیان، زندگی او بیشتر دچار تضاد می‌گردد. زیرا تا به آن لحظه هیچ چیزی از رابطه زندگی او با خدا گفته نشده بود. در واقع، خدا در زندگی او حضور نداشت، تنها خدای او « خود او » بود.

تنها پس از مرگ مرد ثروتمند متوجه حضور فقیر می‌گردد و می‌طلبد تا با اندکی آب درد و رنج او را التیام بخشد. این درخواست از الیعازر، همان درخواستی است که مرد ثروتمند میتوانست انجام دهد اما هیچ وقت بدان عمل ننمود. با وجود این، ابراهیم اینگونه توضیح می‌دهد: « ای فرزند، به یاد آر که تو در زندگی، از هر چیز خوب بهره‌مند شدی، حال آنکه چیزهای بد نصیب الیعازر شد. اکنون او اینجا در آسایش است و تو در عذاب » (آیه ۲۵). در زندگی پس از مرگ یک انصاف خاص برقرار می‌شود و شرارت‌ها توسط خوبی‌ها متعادل می‌شوند.

موضوع این مثل، پیامی است برای همه‌ی مسیحیان. مرد ثروتمند، هنوز برادرانی در زندگی دارد، از ابراهیم میخواهد تا الیعازر را بفرستد تا بدانشان هشدار دهد، اما ابراهیم جواب می‌دهد: « موسی و انبیا را دارند؛ سخن ایشان را بشنوند » (لوقا ۱۶: ۲۹)

اینگونه، مشکل واقعی ثروتمند نشان داده می‌شود: ریشه شرارت او گوش ندادن به کلام خدا است: و بدین گونه او را بر این داشت تا محبت خدا را فراموش کرده در نتیجه همسایه یا دیگری را تحقیر نماید. کلام خدا، نیروی بخش زندگی است، می‌تواند تحول در قلب انسانها ایجاد نماید و شخص را بار دیگر به سوی خدا هدایت نماید. اگر دل بر عطیه خدا که با انسان سخن می‌گوید بسته بماند، دل برای دریافت برادر نیز به عنوان یک عطیه بسته خواهد ماند.

برادران و خواهران گرامی، ایام روزه فرصتی مناسب برای تجدید رابطه با مسیح زنده در کلام، رازهای کلیسایی و همسایه است. خداوند که با سپری کردن چهل روز در بیابان بر حيله وسوسه گر پیروز گردید، راه ادامه مسیر را به ما نشان می‌دهد. باشد که روح القدس ما را برای پیمودن مسیر تغییر درونی و کشف دوباره عطیه کلام خدا هدایت نماید، تا از گناهان که ما را نابینا می‌کند پاک گردانیده و برای خدمت به مسیح که در برادران نیازمند حاضر است، یاری دهد. از همه‌ی ایمان داران تقاضا می‌نمایم که این تجدید کردن زندگی روحانی را ابراز نمایند مانند شرکت در کارهای نیک که بسیاری از سازمانهای مذهبی که در بسیاری از نقاط جهان در این ایام به کار گرفته اند، و اشاعه فرهنگ رابطه برادری در خانواده، تلاش نمایند.

بیایید برای یکدیگر دعا نماییم تا با شرکت در پیروزی مسیح، بتوانیم درب خود را برای در آغوش کشیدن
نیازمند و فقیر بگشاییم. فقط بدینوسیله خواهیم توانست شادی عید فصح رستاخیز را، شهادت دهیم.

واتیکان ۱۸ اکتبر ۲۰۱۶

عید لوقای مقدس کاتب انجیل